

خوانشی از نظام آموزشی توسعه محور بر اساس دیدگاه‌های عقل‌گرایانه معتزله

افروز فرخی¹، ابوالقاسم مجتهدی زنجیرآباد²

پذیرش: 97/10/16

دریافت: 97/7/10

چکیده

بدون تردید آموزش و نظام آموزشی از مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌دهی به افکار و اندیشه‌های اجتماعی افراد و زمینه‌ساز توسعه در میان جوامع بشری به شمار می‌رود. در این میان مکتب فکری معتزله و اندیشه‌های برآمده از آن می‌تواند از جمله مهم‌ترین زمینه‌های فکری و اندیشه‌ای شکل‌دهنده در تاریخ اسلام و نظام‌های آموزشی منبث از آن به شمار آید. لیکن نظام آموزشی برآمده از اندیشه‌های معتزله، تحت تأثیر مهم‌ترین مبانی فکری و اندیشه‌ای آن شکل گرفته و امکان توسعه جامعه در قالب چنین رویکردی قابل بررسی و تبیین می‌نماید. بر این اساس پژوهش پیش روی به روش توصیفی-تحلیلی بر آن است تا با خوانشی آموزش محور از عقل‌گرایی معتزلی، مبانی توسعه انسان محور را از این مکتب فکری ارائه دهد. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، خردمحوری، پرهیز از جبرگرایی، شک علمی و تسامح از مهم‌ترین مبانی اندیشه‌ای در تفکر معتزله و در راستای کامیابی به توسعه آموزشی به شمار می‌روند.

کلیدواژه‌ها: توسعه آموزشی، مکتب معتزله، عقل‌گرایی، شک‌گرایی.

1. عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، نویسنده مسؤول، afrooz.farrokhi1350@yahoo.com

2. دکترای علوم سیاسی (گرایش اندیشه سیاسی)، پژوهشگر مسائل اندیشه‌ای و اجتماعی.

1- مقدمه

موضوع شناخت، ابزارهای آن و حجیت آنها از مهم‌ترین و نخستین دغدغه‌های فکری متفکران دینی و غیردینی بوده است و از آغازین مراحل اندیشه انسان در باب شناخت و چگونگی آن، نقش عقل بر تارک تاریخ اندیشه بشر می‌درخشد. به طوری که اعتقاد به حجیت عقل در حوزه‌های مختلف فلسفه و کلام، اصول فقه، جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی سیاسی سبب تکوین مجادلات فکری متفاوت و دیدگاه‌ها و مکاتب گوناگون شده است (ایادی، 1374: 154).

همان گونه که هر جامعه مدنی بدون انسان‌های با تفکر و صاحب اندیشه مدنی معنا ندارد، بدیهی است جامعه متعالی هم بدون انسان‌های برخوردار از آموزش‌های کارآمد و اثربخش به تدریج از مفهوم و اصالت پایدار خود تهی می‌شود. آنچه موجب بقاء و تداوم ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی می‌گردد، نوع تربیت، فرهنگ و باورهای است که در بستر تعالیم انسانی برای فرزندان جوامع به وجود می‌آید تا در بهترین شرایط، زمینه‌های رشد همه‌جانبه آن‌ها فراهم شود (هاونگی، 1394: 3).

در مقاله حاضر سعی بر آن خواهد بود که پیروی از عقل‌گرایی در نظام آموزشی کشور را از طریق استخراج مبانی عقلانیت از دیدگاه معتزله و نسبت‌سنجی آن با مفاهیمی نظیر عقل مدرن و توسعه مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم.

2- بیان مسأله

انفجار اطلاعات، توسعه ارتباطات، تغییرات بنیادین فرهنگی، جوامع انسانی را در معرض تحول سریعی قرار داده است. این تحولات بدون شک در جهت‌گیری‌ها و کاربردهای نظام‌های آموزشی نظیر آموزش و پرورش و آموزش عالی و محیط‌های آن تأثیر می‌گذارند و تغییراتی در شکل و ساختار آن‌ها پدید می‌آورند. نظام‌های آموزشی همواره باید از پویایی، تحرک و قابلیت انعطاف برخوردار باشند. در جامعه‌ای که همواره در حال تغییر است، نظام آموزشی ایستایی که به آموزش‌های یکنواخت رسمی و تکراری به سبک سنتی و تولید انبوه فارغ التحصیلان غیرماهر و غیرحرفه‌ای می‌پردازد، نمی‌تواند نقش خود را در نیل به توسعه جامعه ایفا کند (اخباری آزاد، 1388: 14 - 15). برنامه‌ریزی آموزشی به عنوان کلید طلایی رفع مشکلات و مؤثرترین دارو برای جلوگیری از درهم ریختگی‌ها و بی‌نظمی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی بر این دوران حکومت می‌کند. زیرا سرعت تغییرات گوناگون اجتماعی و افراد بسیاری که در جریان این دگرگونی‌ها قرار می‌گیرند، تخصص‌های متفاوت، فرصت‌های

مختصر و امکانات زمانی کوتاه هیچ‌کدام دیگر اجازه نمی‌دهند که تجربه‌های از پیش نیندیشیده و ناآگاهانه، باز هم با زندگی مردم بازی کنند و در این میان شانس و تصادف بیشترین سهم را داشته باشند. برنامه‌ریزی به‌خصوص در این مورد از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا نیازهای آموزشی با نیازهای آموزشی شهروندان نسل حال و آینده سروکار دارد، با نسل انعطاف‌پذیری که با هر تدبیر به گونه‌ای رشد کرده و تأثیر خود را در میان‌مدت یا حتی در بلندمدت نمایان خواهد کرد. (موسوی و همکاران، 23:1393)

برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، الگوی تغییرات و تحولات اقتصادی و اجتماعی کشور را در سال‌های اجرای آن تصویر می‌کنند. در همین راستا برنامه‌ریزی، فرایند تفکر درباره مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است؛ جهت‌گیری و آینده‌نگری دارای اهداف و خط‌مشی‌های مشخص است. برنامه‌ریزی برای توسعه امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

توسعه مجموعه‌ای از تحولات فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که به گسترش توانایی‌ها و ظرفیت‌های کلی یک جامعه در همه ابعاد منجر می‌شود. لذا توسعه فرایندی پیچیده و چند بعدی است که به دست انسان و برای انسان صورت می‌گیرد و همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی وی را شامل می‌شود و ناظر بر بهبود همه‌جانبه زندگی بشر است (منافی شرف آبادی و زمانی، 1391: 135). به نظر تودارو، توسعه جریانی چند بعدی (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) است که در حرکت پیش‌رونده خود کاهش فقر، بیکاری، نابرابری و نیز صنعتی شدن هر چه بیشتر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری را در پی دارد (نوروززاده و همکاران، 286:1392).

بر این اساس یکی از راه‌هایی که می‌توان به وسیله آن به تحقق توسعه امیدوار بود، برنامه‌ریزی‌های آموزشی صحیح و اصولی منابع و به‌ویژه منابع انسانی هر کشور و استفاده بهینه از آنهاست. با عنایت به این حقیقت که اصلی‌ترین محور توسعه، انسان و اولین گام در امر توسعه، تشکیل سرمایه انسانی است. از این رو منابع انسانی کیفی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر کشور نه تنها اهمیت زیادی دارد بلکه، بیش از حد تأکید می‌شود. هیچ کشوری شناخته شده‌ای نیست که به قدرت اقتصادی بزرگ و یا پیشرفت فناوری بدون نیاز به یک منبع کیفی انسان دست یافته باشد (کایود، 2012: 1).

سرمایه‌گذاری در نظام آموزشی، به مثابه یک راهبرد تعیین‌کننده نقش قابل توجهی در فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع ایفا می‌کند. به طوری که امروزه تغییر و تحول در

شاخص‌های توسعه جوامع همبستگی مستقیمی با میزان سرمایه انسانی پیدا کرده است (دارابی و همکاران، 1392: 110).

سیر تحولات اجتماعی و فرهنگی ایران بیانگر این مسأله است که عنصر آگاهی و اندیشه را در خود نداشته است و بیشتر از این که توسعه و پیشرفت مبنای الگویی این حرکت‌ها باشد، ایدئولوژی و جناح‌های فکری عقب ماندگی، محوریت این نوع از پویاها بوده است.

از سویی دیگر، نظام آموزشی و تربیتی ما، فاقد هرگونه عنصری برای توسعه و حرکت‌های اجتماعی همراه با پیشرفت است. این نظام بیشتر از آن که به دنبال تربیت انسان‌هایی متمدن و توسعه یافته باشد، به فکر انتخاب رشته دانشگاهی و مدرک‌گرایی است که غیر از ظاهرسازی و به رخ کشیدن، چیز دیگری را عاید نظام اجتماعی نمی‌کند.

در این مقاله، سعی بر ارائه مدل آموزشی توسعه‌محوری خواهیم کرد که مبتنی بر سنت فکری و ارزش‌های اجتماعی برخاسته از متن و تاریخ زیسته این سرزمین باشد. در این میان مکتب معتزله به عنوان یکی از سنت‌های فکری ما که آبخور خردگرایی است، می‌تواند در ارائه این الگو با استدلال‌های ارائه شده، یاری کند. استدلال ما برای این امر، نشأت گرفته از موفق نبودن الگوهای وارداتی و بدون پشتوانه فکری است که به میراث فکری و سنتی‌ای که در تاریخ فکری مان بوده است، بی‌اعتنا و بی‌توجه بوده‌اند. لذا با ارائه الگویی بومی و با بهره‌گیری از سنت فکری و تاریخی، سعی در کاربردی کردن این امر و نسبت‌سنجی مفهوم عقل معتزلی با عقل مدرن و مفهوم توسعه خواهیم کرد.

3- مبانی نظری پژوهش

3-1- عقل‌گرایی مدرنیته

عقل به عنوان مهم‌ترین ویژگی و مایه شرافت انسان بر سایر مخلوقات در تاریخ اندیشه بشری مورد توجه و عنایت بوده است و اندیشمندان هر گروه و مکتبی، درباره عقل و جایگاه آن در زندگی انسانی به بحث و دقت نظر پرداخته‌اند (آریان، 1392: 6). اگرچه مکاتب فکری مختلف، هر یک عقل را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند و کارکردهای مختلفی را برای عقل برشمرده‌اند؛ ولی با وجود تمام اختلافاتی که در این زمینه وجود دارد، در یک نگاه کلی و البته همراه با مسامحه، می‌توان عقل را منبع، کاشف و یا ابزار کسب معرفت دانست. بنابراین، عقل ارتباط وثیقی با معرفت دارد و دروازه معرفت شناخته می‌شود. از سوی دیگر، عقل

افزون بر کارکرد معرفتی، کارکرد عملی نیز دارد و به عنوان یک نیروی بازدارنده از خطا و محرک برای انجام نیکی‌ها نیز شناخته شده است (فیروزآبادی، 1412، 1: 173؛ جوهری، 1407: 1769).

عقیده به اصالت عقل به معنای اخص کلمه، در دوران مدرنیته و در نظام فلسفی غرب، با دکارت آغاز شد و بدین ترتیب این نظریه از همان مبدأ ظهور با تصور فیزیک «مکانیکی» مستقیماً پیوند یافت. مذهب پروتستان نیز با وارد کردن موضوع «متابعت عقل و تجربه» که خود نوعی عقیده به اصالت عقل بود، راه را برای فلسفه تعقلی هموار ساخت؛ البته در آن دوره این لفظ، هنوز وجود نداشت و زمانی ابداع شد که گرایش مذکور به نحو آشکارتری موجودیت خود را در قلمرو فلسفه تثبیت کرد (گنون، 1384: 106).

نقطه عزیمت عصر رنسانس، اندیشه تأسیس و پایه‌گذاری روش علمی و تجربی، به عنوان شیوه تحصیل معرفت، از سوی فرانسیس بیکن در رویارویی با روش‌های سنتی و کلاسیک افلاطونی و ارسطویی است تا مدت‌زمانی خردگرایی دکارت، سخن نمونه فلسفه نوین بود. عقل‌گرایی او بیش از هر چیزی بر توانایی‌ها و محدودیت‌های عقلانی انسان تأکید می‌ورزید؛ در مقابل آن، می‌توان از تجربه‌گرایی جان لاک و جرج بارکلی و دیوید هیوم، یاد کرد (هالینگ، 1379: 156).

عقل‌گرایی روشنگری همزمان با «عصر روشنگری» در غرب مورد توجه قرار گرفت. این نوع عقل‌گرایی که فعالیت آن محدود به حوزه‌های تجربی و علمی بود با بسیاری از سنت‌ها و باورها به نبرد برخاسته بود و تلاش می‌کرد تا همه قلمروهای انسانی را تسخیر نماید. به همین دلیل این عصر را عصر عقل نیز نامیده‌اند. ولی فلسفه روشنگری دو اختلاف با عقل‌گرایی قرن هفدهم (دکارت و دیگران) دارد: نخست این که عقل‌گرایی قرن هفدهم خصیصه ضددینی یا غیردینی ندارد، برعکس خدا به یک معنا و اغلب در یک معنای سنتی، نقش عظیمی در نظام‌های عقل‌گرایانه دارد (ویلیامز، 1374: 108).

دوم این که نظر متفکرانی از عصر روشنگری، چون ولتر، در باب علم، با نگرش عقل‌گرایانه تفاوت داشت و بسیار تجربه‌گرایانه‌تر بود. هنگامی که واژه عقل‌گرایی بر نظام‌های متقدم (قرن هفدهم) اطلاق می‌شود، تقابلی بسیار اساسی میان عقل و تجربه است. چنین تقابلی یقیناً در ستایش عصر روشنگری از عقلانی وجود نداشت. شبیه این اختلاف، تفاوت دیگری میان دیدگاه‌های شاخص قرن هفدهم و قرن هجدهم در مورد ماهیت و اهمیت «سیستم» (نظام) وجود دارد. قرن هجدهم خود مخالف «روحیه نظام‌سازی» قرن هفدهم (با نظام‌های پیچیده و مفصل متافیزیکیش) بود و طرفدار یک «روحیه روشمند» (نظام‌دار) که می‌توانست با نظم و انضباط فکری همراه باشد، بی آن که بلندپروازی نظری داشته باشد

(ویلیامز، 1374: 109-111). با این تفاسیر آنچه که عقل در دوره مدرنیته غربی را از دیگر مکاتب فکری پیش و پس از خود جدا می‌سازد، تأکید بر خودمحور بودن آن، قطعیت‌گرایی آن، شک‌محوری آن و همه جانبه‌گرایی آن بود که به دنبال خوانشی از عقل بود که بهترین و جامع‌ترین شناخت را حاصل از تفکر عقلانی برمی‌شمرد.

3-2- مفهوم عقل نزد معتزلیان

از سویی دیگر، نخستین بارقه روشنفکری در دنیای اسلام با ظهور معتزله نمایان می‌شود. پیدایی معتزله را برخلاف آنچه معمولاً پنداشته می‌شود نباید فقط به عنوان جریانی در حوزه دین و فلسفه مورد ارزیابی قرار داد؛ زیرا این نهضت با توجه به تأکیدی که بر آزادی فردی، اختیار انسان، تسامح، عدم خشونت و مقولاتی از این دست بر معیار خردگرایی داشته، صبغه سیاسی و اجتماعی نیز می‌یابد و درنهایت بر وجوه سیاسی، اجتماعی و حکومتی دنیای اسلام اثر می‌گذارد. به همین سبب است که تحمل آن ناممکن می‌شود (بقایی، 1395: 12).

در میان مکتب‌های کلامی اهل سنت - و به تأثیرپذیری از آن، مکاتب عقل‌گرای شیعی - معتزله یکی از نخستین و پرآوازه‌ترین مکاتب فکری عقل‌گرا است که مبانی فکری و اعتقادی خویش را بر پایه نوعی عقل‌گرایی مستحکم کرده است. تأکید جریان اعتزال بر کاربست عقل در عرصه معرفت، آن‌چنان جدی بود که برخی از آنان اعتقاد داشتند در تعارض دلیل سمعی با عقل، عقل مقدم است. عقل‌گرایی معتزلی، شیوه و منهجی است که البته با عقل‌گرایی مکاتب فکری دیگر، تفاوت‌های جدی دارد (آریان، 1391: 6).

مبارزه با جبرگرایی و تأویل نصوص دال بر جبر، به حکم عقل از سوی قدریّه، تأویل عقلی صفات از سوی جهمیّه و ورود بیش از پیش قیاس و رأی در حوزه فقه از سوی اصحاب رأی، نه تنها زمینه‌ساز ظهور معتزله بود، بلکه به نحوی در اندیشه معتزلیان جمع شد. البته چنانچه بیشتر اشاره شد این زمان، دوران شکل‌گیری کلام نظری است و به دلیل نیاز جامعه و ورود مسائل علمی، کلام نیز به شکل دانشی مستقل در حوزه مباحث نظری مطرح می‌شود (همان: 9).

معتزله به عنوان یکی از داعیه‌داران این دانش که در گسترش و رشد آن هم سهیم بوده‌اند، روش عقلی را به عنوان روش کلامی خویش مطرح کردند. این روش که می‌توانست پاسخ‌گوی مشکلات اعتقادی و شبهات موجود در جامعه باشد، شواهدی نیز در قرآن و روایات داشت و معتزله البته برای موجه

ساختن اندیشه خویش به این ادله هم عنایت داشتند. به بیان دیگر آیات قرآن در دعوت به عقل نه عامل اصلی عقل‌گرایی معتزله، بلکه به عنوان تأیید و توجیه کار ایشان مورد توجه بود (لاهوری، 1357: 36).

عامل دیگری که باز نه به عنوان عامل گرایش به عقل‌گرایی، بلکه به عنوان عامل مؤثر در تشدید عقل‌گرایی معتزلی نقش به‌سزایی داشت، اندیشه‌های فلسفی و منطقی یونان بود که در این زمان در بین جوامع علمی اسلامی مطرح می‌شد. اگرچه در این دوران، هنوز ترجمه آثار فلسفی یونان به شکل رسمی آغاز نشده بود، ولی شواهد تاریخی نشان می‌دهد متکلمان مسلمان، در نیمه قرن دوم با بسیاری از اندیشه‌های فلسفی آشنا بودند و حتی ردیه‌هایی بر آن نگاشته‌اند (زنجانی، 1389: 89). ورود این اندیشه‌ها که در جای خود به عنوان شبهه مطرح می‌شد، متکلمان را بر آن می‌داشت تا برای مقابله با آن، خود را به روش‌های ایشان مجهز کنند و حتی در مواردی از تعابیر و اصطلاحات فلسفی استفاده نمایند. این رویه سبب شد به زودی قالب نظری کلام گسترش پیدا کند و عقل‌گرایی در آن نهادینه شود. به هر تقدیر در آغاز قرن دوم هجری جریان فکری اعتزال با رویکرد و روش عقلانی در حوزه عقاید کلامی پا به عرصه وجود نهاد و توانست طرفدارانی چند پیدا کند و اندیشمندان برجسته‌ای را در حوزه معارف کلامی به خود جذب نماید.

این جریان فکری، عقل را به عنوان پایه و اساس اندیشه خویش و نظام معرفت دینی معرفی نمود و مدعی شد که عقل نه‌تنها برای پاسخ‌گویی به شبهات مخالفان و منکران دین، در قالب مناظره و جدل کارآمد است، بلکه می‌تواند حتی بدون نیاز به راهنمایی وحی، اصول و مبانی معرفت دینی را کشف نماید و نظام معرفتی مبتنی بر عقل ارائه نماید. این جریان، نه‌تنها قادر بر شناخت و کسب معرفت است، بلکه حکم و الزام نیز دارد. به اعتقاد معتزلیان، اولین واجبی که از انسان خواسته شده، تفکر و استدلالی است که به معرفت پروردگار بینجامد؛ چراکه از بین راه‌های مختلف و موجه کسب معرفت، تنها نظر و استدلال، صلاحیت شناخت پروردگار را دارد (قاضی عبدالجبار، 1965: 136). البته جریان اعتزال، عقل را نه‌تنها منبع شناخت، بلکه مصدر الزام در وجوب نظر نیز معرفی می‌کرد. جایگاه نظر در معرفت و شناخت خداوند، به عنوان اولین واجب، در اندیشه همه بزرگان معتزله قابل پیگیری است (جاحظ، 2002: 109-112؛ قاضی عبدالجبار، 1965: 65).

مطالعه آثار معتزلیان نشان می‌دهد در نگاه معتزلی، عقل مبتنی بر کارکردهای مختلف آن تعریف می‌شود و از این کارکردها، مفهومی به نام عقل انتزاع می‌شود. بنابراین عقل از نگاه معتزلیان ماهیتی مستقل و ممتاز نیست، بلکه مفهومی اعتباری است که از مجموعه‌ای از دانش‌ها و یا توان‌ها انتزاع می‌شود و کارکرد مشخصی ارائه می‌نماید.

با توجه به چنین برداشتی از عقل در نزد معتزلیان، می‌توان نکات اشتراک عقل معتزلی با مفهوم عقل در دوره مدرنیته در غرب را از جهت شیوه کارکرد آن نزد این دو مکتب فکری مورد بررسی قرار داد؛ چراکه عقل معتزلی نیز همانند عقل خودبنیاد و جامعیت‌گرای مدرنیته به دنبال شناختی است که منتج از قوه عقلانی بشری می‌باشد، با این تفاوت که در عقل خودبنیاد مدرنیته سعی بر جدایی این شیوه از تعقل از مبانی شرعی و دینی می‌شود، اما در عقل معتزلی ما شاهد نوعی از تعقل هستیم که در ضمن این که اعتبار شناخت عقلی را از توان انتزاعی آن می‌گیرد، اما به طور مرتبط بر کارکرد مشخص آن در امر شناخت نیز تأکید دارد. به بیان دیگر آنجا که معتزله بحث از عقل می‌کنند، تأکید بر اعتبار آن در قبل از مرحله شناخت به عنوان مصدر الزام در وجوب است، و این امر در حقیقت هم بر عینیت‌یافتگی تعقل (عقل‌گرایی تجربه‌گرایانه) و هم بر جنبه انتزاعی آن (عقلانیت استعلایی) تأکید می‌کند. در واقع عقل معتزلی متضمن نوعی از عقلانیت است که از آن می‌توان به عنوان عقل کلی نام برد که هم شامل عقل عملی (ابزاری) می‌باشد و هم عقل نظری. بنابراین، این موضوع ما را بر آن داشته است که در پژوهش حاضر خوانشی از عقل‌گرایی معتزلی ارائه دهیم که بتوان از آن در الگوسازی شیوه‌های تعقل در توسعه نظام آموزشی انسان‌محور استفاده کرد.

3-3- مفهوم توسعه

توسعه (واژه متناسب‌تر آن با عنایت به بار معنایی، تناسب فرهنگی، ملی و منطقه‌ای و نیز متناسب با باورها و ارزش‌های اعتقادی جامعه ایرانی، پیشرفت خواهد بود)، از جمله مفاهیمی است که در دوران معاصر و به‌ویژه در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم در بین کشورها رواج بسیار یافته است (سبحانی نژاد و منافی شرف‌آباد، 1390: 65).

توسعه از نظر اندیشه‌ورزان علوم اقتصادی و اجتماعی، به معنای ارتقاء مسیر کل جامعه و نظم اجتماعی به سوی زندگی بهتر یا انسانی‌تر است (تودارو، 2016: 7). به تعبیری دیگر توسعه فرایندی است جامع با هدف افزایش توانایی‌های انسانی-اجتماعی، در جهت پاسخ‌گویی به خواسته‌های تعریف‌شده در جوامع بشری (صرافی، 1377: 13).

توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن است (ترامبل، 2008: 79). بنابراین، توسعه کوششی مستمر، برای کاهش یا رفع مشکلات نابسامانی‌های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی است. به طور کلی، توسعه فرایندی است که در خود،

تجدید سازمان و جهت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد. توسعه باید علاوه بر این که بهبود میزان تولید و درآمد را در بر داشته باشد، شامل دگرگونی‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری، ایستارها و دیدگاه‌های عمومی مردم باشد (لطفی، زرا نژاد، 1391: 46).

مشاوران یونسکو معتقدند که توسعه، فرایندی هدف‌دار است که به وسیله انسان آغاز می‌شود و هدف آن بهبود شرایط زیستی کلیه کسانی است که در جامعه زندگی می‌کنند (گروه مشاوران یونسکو، 1372: 19). بنابراین، توسعه عبارت است از شرایطی که در آن تمام اعضای جامعه قادر به رفع نیازهای خویش بوده و از طرفی دیگر برای شکوفایی استعدادهای خود از فرصت بسیار برخوردار باشند (کاتف و همکاران، 2005: 14).

معنایی از توسعه که در این تحقیق مبنای عمل ما قرار خواهد گرفت، دارای بار معنایی خاصی است که معطوف بر توسعه انسان‌محور می‌باشد که با تأکید بر عقلانیت محوری انسان معاصر است و در پی توضیح این موضوع است که اصلی‌ترین مرحله در توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره، توسعه انسانی است که از طریق شیوه‌هایی از آموزش مهیا می‌شود که انسانی متعقل و متفکر را پرورش می‌دهد که از این طریق تأثیرگذار بر همه ابعاد توسعه باشد؛ چرا که این نوع از توسعه اگر مبنای تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی قرار بگیرد، می‌تواند منجر به بهبود حیات اجتماعی و سعادت همه‌جانبه زندگی گردد.

4- سؤالات تحقیق

مبنای عقلی معتزله که می‌تواند در ارائه الگویی مناسب در جهت تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی توسعه‌محور مبنای قرار گیرد، کدامند؟

مدلی آموزشی در ایجاد تحولات اجتماعی و فرهنگی توسعه‌محور بر مبنای تفکر معتزله بر چه اصولی مبتنی است؟

5- روش تحقیق

این پژوهش ماهیت کیفی داشته و دارای چند مرحله است که در هر مرحله از روش‌ها و ابزارهای خاص آن مرحله بهره گرفته شده است. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، ابتدا برای پاسخ‌گویی به پرسش اول پژوهش از روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و بررسی منابع چاپی، الکترونیکی و روش توصیفی -

تحلیلی و مطالعه موردی استفاده شد. سپس مبانی نظری مرتبط با موضوع گردآوری و با توجه به آن، مدل پیشنهادی به صورت مقدماتی تدوین شد.

6- مؤلفه‌های آموزشی مبتنی بر عقل‌گرایی معتزله

6-1- خردمحوری

نظام آموزشی منبع‌الهام‌بخش و عامل رشد و پیشرفت هر جامعه‌ای محسوب می‌شود که در هر عصری پایه و بنیان آن بر خردورزی و جهل‌ستیزی قرار داشته و نقش یگانه‌ای در تحقق آرمان‌های بشری همچون عقل‌گرایی، صلح و عدالت و اخلاق و نیز تربیت و تأمین سرمایه انسانی جوامع دارد و سه مأموریت اصلی دانشگاه، آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی است (دولتی و همکاران، 1395: 44).

امروزه کشورهای سراسر جهان به این نتیجه رسیده‌اند که گستره وسیعی از قابلیت‌ها، مهارت‌های تفکر و مهارت‌های پایه جهت آماده کردن دانش‌آموزان برای آینده‌ای غیرقابل پیش‌بینی مورد نیاز است. برای دستیابی به این مهم یادگیرندگان باید آگاهی‌شان را از خود به عنوان متفکران و یادگیرندگان گسترش دهند، راهبردهایی را برای تفکر مؤثر تمرین کنند و منش تفکر را که در طول زندگی به آن نیاز دارند، گسترش دهند؛ زیرا تفکر و اندیشه سرآغاز هرگونه تولید و ساخت و سازی در عالم انسانی است و این خود به عنوان مبنای توسعه قابل توجه می‌نماید (اسماعیل زاده و کرمی، 1394: 2). به بیانی دیگر، امروزه تعریف و مفهوم توسعه از مبانی توسعه عقلانیت انسان آغاز می‌شود که اصلی‌ترین مؤلفه آن توسعه انسان‌محور است که از طریق نظام آموزشی نیروی انسانی مهیا می‌شود.

هدف اصلی تعلیم و تربیت امروزه باید تربیت انسان‌های متفکر و خلاق باشد. امروزه کارشناسان و پژوهشگران اتفاق نظر دارند که خردورزی نه تنها باید یکی از اهداف تعلیم و تربیت باشد، بلکه باید بخش لاینفک آموزش در هر مقطعی باشد. آنچه اکنون ضرورت دارد، ترویج و آموزش خردورزی در جامعه است. این امر میسر نمی‌شود، مگر از طریق رجوع به مبانی و مبادی این خردورزی در تاریخ و فرهنگ بومی یک جامعه که نشأت گرفته از سنت‌های اجتماعی و فرهنگی آن جامعه باشد.

یکی از اصلی‌ترین منابع موجود برای خرد ورزی اسلامی/ ایرانی، آشنایی با مبانی فکری مکتب معتزلی است که در تاریخ این مرز و بوم نقش به‌سزایی در اولویت دادن به عقل انسانی داشته‌اند. در حقیقت با بهره‌مندی از منابع موجود از عقل‌گرایی معتزلی هم می‌توان بر ضرورت شناخت عقلی از طریق

مبانی شرعی و فرهنگی تاریخ ایران بعد از اسلام تأکید کرد و خوانشی دوباره از سنت عقل‌گرایی اسلامی را در نظام آموزشی کشور ترویج کرد.

این امر در حالی است که متأسفانه در کشورمان از دوران قاجار، تئوری‌های توسعه در کشور به سمت تئوری‌های تولید انسان‌های سلطه‌طلب و به دور از خردگرایی و خردورزی حرکت کرد و در دوران پهلوی، به شدت این الگوها تقویت شد. اما از آغاز انقلاب اسلامی فضایی که در جامعه ما به وجود آمده است، فضای انسان عدالت‌خواه است و می‌توان از این فرصت پیش آمده در جهت تقویت عقلانیت محوری نظام آموزشی کشور استفاده کرد.

6-2- پرهیز از جبرگرایی

از دیدگاه تقدیرگرایان، همه رویدادها منشأ الهی، پیش‌بینی ناپذیر و تغییرناپذیری دارند. هر اتفاقی که رخ می‌دهد، خواست خداست. به اعتقاد برخی، نفی تاریخی خردگرایی و برخورد عقلایی ایران با مسائل و مشکلات اجتماعی، به صورت خصلت بارزی در فرهنگ ایرانی درآمده است. پس ایرانی که طالب توسعه است، به شهادت تاریخ، خود قضا و قدری است و به تقدیر و سرنوشت ازلی، اعتقاد دارد. مسلماً ایرانی با چنین منشی، اگر صحت داشته باشد، هرگز به توسعه دست نخواهد یافت. در آئین کالونیسیم، اعتقاد به مقدرات الهی از قبل تعیین شده، در قالب «رسالت فردی» نقش بسیار سازنده‌ای در تشویق مردم به کار و کوشش دارد. در حالی که نتیجه اعتقاد به قضا و قدر و تقدیر و سرنوشت، هنگامی که در شعار «هر آن کس که دندان دهد، نان دهد» عینیت می‌یابد، برای ما ایرانیان، جز افزایش جمعیت و فشار بر منابع ملی و کاهش درآمد سرانه و گسترش فقر عمومی، چیز دیگری به ارمغان نیاورده است و این امر مانعی جدی بر راه توسعه پایدار کشور به شمار می‌رود (فیاض، 1392: 76).

این امر در حالی است که از قرن سوم تا پنجم که دوره شکل‌گیری و گسترش تصوف ایرانی است کار و تلاش مورد ستایش قرار می‌گیرد. ولی در قرن ششم و در آستانه حمله مغول آنها به نوعی خمودگی رو آورده و در برابر حمله وحشیانه مغول هیچ گونه مقاومتی از خود نشان ندادند. با به قدرت رسیدن سلسله صفویه که با کمک درویش مبارز و پیروان شیخ صفی‌الدین اردبیلی صورت گرفت، بنیان تصوف به تدریج رو به ضعف گذاشت. ولی اندیشه آن که با ادبیات در میان مردم رسوخ کرده بود تا امروز پابرجاست. اندیشه‌ای که با پرداختن به «وحدت وجود، نفی زندگی، کوشش‌گریزی و به‌طور خاص جبرگرایی» مانع پرداختن جدی ایرانیان به امر توسعه گشته است (کمالی، 1392: 21).

بدون تردید از مهم‌ترین عوامل پیشرفت و توسعه توجه به مسأله تغییرات و عوامل توسعه‌ای منتج از آن می‌باشد. بر این اساس جبر و جبرگرایی از مهم‌ترین موانع پیش روی توسعه، به‌خصوص در میان کشورهای در حال توسعه که از نظر فرهنگی و اجتماعی در گیر این مسأله می‌باشند به‌شمار می‌رود، و این امر میسر نخواهد شد مگر از طریق بازگشت به خوانشی از عقلانیت که در تاریخ اندیشه ایرانی و اسلامی، تأکید بر تعقل و خردورزی انسانی داشت که معتزلیان بنیان‌گذاران آن در فرهنگ بومی و تاریخی ما بوده‌اند و می‌توان از طریق بازخوانی افکار و عقاید آنان در امر تعقل به سمت مدلی خردگرا در نظام آموزشی کشور گام برداشت.

6-3- شک علمی

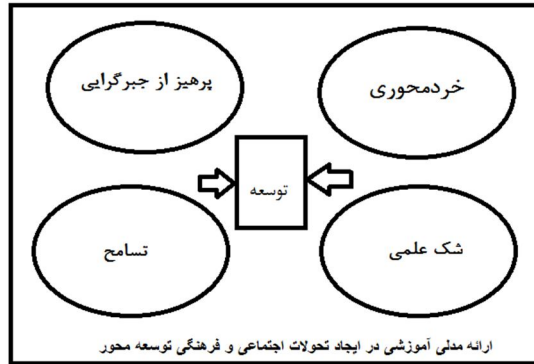
از دیگر وجوه مهم در مباحث آموزشی که نقش مهمی در توسعه جوامع ایفا می‌نماید توجه به مسأله شک علمی و عدم پایداری در یک مسأله و مفهوم خاص و بلامنازع دانستن آن می‌باشد. در چنین فرایندی آموزش می‌بایست افراد جامعه را به این آگاهی برساند که در زمینه‌های مختلف علوم، اعتقاد بدون شک وجود ندارد، بلکه جامعه می‌بایست در زمینه‌های مختلف قابلیت شکاکیت را داشته و آن را به عنوان عاملی لامتعیر در نظر نگیرد.

این امر زمینه توسعه در کشور را ممکن می‌گرداند، به طوری که در چارچوب چنین رویکردی همواره زمینه تحرک در میان افراد مختلف جامعه محقق می‌گردد و روند توسعه با شتاب بالا ممکن می‌شود. این امر در حالی است که فقدان چنین شکاکیتی موجب رخوت علمی و عدم تحرک در جامعه و فرهنگ حاکم بر آن گردیده و جامعه با پذیرش شرایطی لایتغیر در علوم، انگیزه لازم برای تحرک خود را از دست می‌دهد. شک علمی خود به عنوان یکی از مهم‌ترین زمینه‌های توسعه در کشورها همواره مورد توجه جامعه‌شناسان قرار داشته و اعتقاد به چنین رویکردی به‌خصوص در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسعه مورد پذیرش قرار گرفته است. همان طور که عنوان شد این شک علمی از مشخصات بارز عقل خودبنیاد مدرن در غرب است، اما در خصوص تفسیری که می‌توان از عقل معتزلی پیرامون شک عقلی - که موتور محرک عقل بشری نیز به حساب می‌آید - ارائه داد، تأکید معتزلیان بر تقدم عقل بر نقل و پرهیز از جبرگرایی بوده که گامی آغازین در اعتباربخشی بر شناخت عقلی بوده است که می‌تواند به عنوان الگویی خردورزانه در نظام آموزشی کشور مورد استفاده قرار گیرد. کما این که عنوان شد در نزد قاضی عبدالجبار - یکی از بنیانگذاران عقل معتزلی - عقل معتزلی نه تنها برای پاسخ

گویی به شبهات مخالفان و منکران دین، در قالب مناظره و جدل کارآمد است، بلکه می‌تواند حتی بدون نیاز به راهنمایی وحی، اصول و مبانی معرفت دینی را کشف نماید و نظام معرفتی مبتنی بر عقل ارائه کند. این جریان، نه تنها قادر بر شناخت و کسب معرفت است، بلکه حکم و الزام نیز دارد. به اعتقاد معتزلیان، اولین واجبی که از انسان خواسته شده، تفکر و استدلالی است که به معرفت پروردگار بینجامد؛ چراکه از بین راه‌های مختلف و موجه کسب معرفت، تنها نظر و استدلال، صلاحیت شناخت پروردگار را دارد (قاضی عبدالجبار، 1965: 136).

6-4- تسامح

با نگاه به تاریخ پرشکوه رونق تمدن اسلامی می‌بینیم که رمز موفقیت دوره شکوفایی آن تمدن، رعایت اصل تسامح و تساهل در بحث‌ها و مراودات علمی است، به طوری که دانشمندان از اقصی نقاط دنیا با دیدگاه‌های مختلف در مراکز علمی جهان اسلام گرد هم می‌آمدند و به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند. چنان‌که مکتب معتزلی در جهان اسلام در دامن تسامح‌گرایی قرن سوم و چهارم هجری در بغداد شکل می‌گیرد، رشد می‌کند و به بالندگی می‌رسد. در این میان تسامح به معنای مدارا در جامعه، امکان توسعه در اشکال و ابعاد مختلف آن را ممکن می‌گرداند، به خصوص آن که تسامح در اشکال مختلف آن زمینه پذیرش افکار و عقاید متعارض را ممکن و بستر توسعه علمی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و غیره را ممکن می‌نماید. بر این اساس و در بستر تسامح در میان آحاد جامعه که در قالب نظام آموزشی ممکن می‌گردد، امکان توسعه فراگیر در جامعه وجود دارد. تسامح زمینه همکاری و همراهی بیشتر افراد را ممکن می‌گرداند و پذیرش عقاید و همکاری و همراهی عقاید گاه متعارض را ممکن می‌سازد. در چنین شرایطی، توسعه همسو با همراهی و هم‌راستایی جامعه که در قالب نظامی آموزشی ممکن شده است، محقق می‌گردد. بدون شک عقلانیت معتزلی بیشترین همراهی را با چنین تسامحی در تاریخ اندیشه اسلامی و ایرانی داشته است و عقل را نه تنها منبع شناخت، بلکه مصدر الزام در وجوب نظر نیز معرفی می‌کردند. جایگاه نظر در معرفت و شناخت خداوند، به عنوان اولین واجب، در اندیشه همه بزرگان معتزله قابل پیگیری است (جاحظ، 2002: 109-112؛ قاضی عبدالجبار، 1965: 65) و بازگشت به مبانی و منابع معتزلی می‌تواند گامی در جهت الگوی آموزشی تسامح‌محور در سنت فکری اسلامی/ ایرانی باشد.



7- نتیجه‌گیری

چنان که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، جامعه متعالی هم بدون انسان‌های برخوردار از آموزش‌های کارآمد و اثربخش به تدریج از مفهوم و اصالت پایدار خود تهی می‌شود. آنچه موجب بقاء و تداوم ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی می‌گردد، پرورش انسان توسعه‌مند است. در این میان نظام‌های آموزشی همواره باید از پویایی، تحرک و قابلیت انعطاف برخوردار باشند تا بتوان انسانی توسعه‌مند پرورش داد. در جامعه‌ای که همواره در حال تغییر است نظام آموزشی ایستایی که به آموزش‌های یکنواخت رسمی و تکراری به سبک سنتی و تولید انبوه فارغ التحصیلان غیرماهر و فاقد تعقل خلاقانه می‌پردازد، نمی‌تواند نقش خود را در نیل به توسعه جامعه ایفا نماید. از طرفی، در میان اندیشه‌های اسلامی و ایرانی، معتزله یکی از نخستین و پرآوازه‌ترین مکاتب فکری عقل‌گرا است که مبانی فکری و اعتقادی خویش را بر پایه نوعی عقل‌گرایی مستحکم کرده‌اند که می‌تواند مبنای مورد نیاز برای پرورش انسانی متعقل را مهیا سازد. تأکید جریان اعتزال بر کاربست عقل در عرصه معرفت، آن‌چنان جدی بود که برخی از آنان اعتقاد داشتند در تعارض دلیل سمعی با عقل، عقل مقدم است. عقل‌گرایی معتزلی، شیوه و منهجی است که البته با عقل‌گرایی مکاتب فکری دیگر، تفاوت‌های جدی دارد. از مهم‌ترین چارچوب‌های فکری معتزله که در نظام آموزشی و نیز در قالب توسعه کشور قابل تبیین می‌نماید خردمحوری، پرهیز از جبرگرایی، شک علمی و تسامح می‌باشد که از مهم‌ترین وجوه آموزشی در راستای توسعه‌ای پایدار در ابعاد و اشکال مختلف توسعه به شمار می‌رود که در پژوهش حاضر سعی در تبیین و توضیح ضرورت توجه به این مؤلفه‌ها در آموزش انسان توسعه‌مدار در نظام آموزشی کشور شد.

منابع

- آریان، حمید. (1392). «معنا و مبنای عقل‌گرایی معتزله در تفسیر قرآن». قرآن‌شناخت، سال ششم، شماره اول، پیاپی 11.
- اخباری آزاد، مهناز. (1388). بررسی میزان هم‌سویی برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی در سی مقطع کارشناسی ارشد با نیازهای آموزشی متصدیان برنامه‌ریزی درسی در وزارت آموزش و پرورش به منظور ارائه راهکار مناسب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- ایازی، محمدعلی. (1374). «جامعیت دین»، مجموعه مقالات کنگره نقش زمان و مکان در اجتهاد، ج 10، تهران.
- بقایی ماکان، محمد. (1395). عقل‌عریان. تهران: انتشارات اقبال.
- تودارو، م. (2012). توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه غلامعلی فرجادی. ج 1، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- دارابی، سلمان؛ نیستانی، محمدرضا و میرزایی فر، داوود. (1392). بررسی مقایسه‌ای میزان کاربست مؤلفه‌های برنامه‌ریزی استراتژیک در توسعه پایدار آموزش و پرورش شهرهای اصفهان و کرمانشاه، دو فصل‌نامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، سال دوم، شماره چهارم، ص 101-136.
- دارابی، م. (1381). فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی (بررسی سازگاری و ناسازگاری). مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- سبحانی‌نژاد، مهدی و کاظم منافی شرف‌آبادی. (1390). جامعه آموزش و پرورش (مبانی، رویکردها و سیر جامع نظریه‌ها و حوزه‌های شاخص. انتشارات یسطرون.
- شکوهری، غلامحسین. (1395). تعلیم و تربیت و مراحل آن. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- عسکری، ابوهلال. (1412). الفروق اللغویه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (1389). پژوهشی در پیدایش و تحولات تصوف و عرفان. تهران: امیرکبیر.
- فیاض، ابراهیم. (1388). مردم‌شناسی دینی توسعه در ایران، دین، فرهنگ و توسعه در ایران. شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (1412). قاموس المحيط. بیروت: دارالجمیل.
- قاضی عبد الجبار. (1965|الف). المحيط بالتکلیف، به کوشش عمرعزمی، قاهره: بی‌نا.
- _____ (1965|ب). شرح الاصول الخمسه. به کوشش عبد‌الکریم عثمان، قاهره: بی‌نا.
- _____ (1962). المغنی فی ابواب التوحید و العدل. قاهره: نشره الشركة العربیة.
- کمالی، اکبر. (1392). عقب‌ماندگی و توسعه در ایران. نخل دانش.
- گنون، رنه. (1384). سیطره کمیت و علائم آخر زمان. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- چاپ چهارم.
- لاهوری، محمد اقبال. (1357). سیر فلسفه در ایران. ترجمه امیرحسین آریانپور. تهران: انتشارات امیرکبیر.

منافی شرف‌آبادی، کاظم و الهام زمانی. (1391). «نقش نظام آموزش و پرورش در توسعه فرهنگی جامعه، مهندسی فرهنگی». سال هفتم، شماره 73 و 74.

موسوی، ستاره؛ حسین نظری و مجتبی‌زمانیان. (1393). «نقش برنامه‌ریزی آموزشی در تربیت شهروند متعهد به فرهنگ ترافیک». فصل‌نامه مطالعات مدیریت ترافیک، شماره 32، ص 21 - 40.

ویلیامز، برنارد. (1374). عقل‌گرایی. ترجمه محمد تقی سبحانی، سال اول، شماره 2. ص 109.

هالینگ، دیل. (1370). مبانی و تاریخ فلسفه غرب. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: کیهان.

هاونگی، حسین. (1394). نقش آموزش و پرورش در توسعه امنیت اجتماعی، چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده.

Katef and et al(2005), education and development, *national policy*, vol5, pp,78-89.

Kayode, Asaju & John Kajangσ, Thomas & Felix Anyio, Silas (2013) Human Resource Development and Educational Standard in Nigeria, *Global Journals Inc.* (USA), Volume 13 Issue 7 Version 1.0, pp1-6.

Interpretation from a Development-based educational system based on the Mu'tazilite's rationalistic views

Afroz Farrokhi¹, Abolghasem Mojtahedi Zanjirabad²

Abstract

Undoubtedly, education and educational system are among the most important areas for shaping the thoughts and thoughts of people and creating the basis of development among human societies. Meanwhile, the Mu'tazilite school of thought and its ideas are one of the most important intellectual and thought-provoking fields in the history of Islam and its educational systems. However, the educational system based on the Mu'tazilites' ideas is shaped by the most important intellectual and intellectual foundations and the possibility of developing the society in the form of such an approach can be explained and explained. Accordingly, the present study is descriptive-analytic in order to provide an educational model for developing social and cultural developmental development. Based on the results of this research, the pivotal wisdom, the avoidance of determinism, scientific doubt and tolerance are among the most important foundations of thought in the Mu'tazilite thinking and in the direction of prosperity to development

Keywords: Educational Development , Mu'tazila school, rationalism, scepsis.

1. Faculty Member of Farhangian University, Tehran, Iran, Corresponding Author,
afrooz_farrokhi1350@yahoo.com

2. Doctor of Political Science (Political Thought), Researcher in Thought and Social Issues.